



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: 20 دقیقه



امید مهماندوست

نام آزمون: حذف- بلاغی و عادی- جمله مرکب

تاریخ آزمون: 1400/05/22

1 در کدام گزینه هر دو نوع حذف دیده می‌شود؟

- 1 آنکه بر دامن احسان تو اش دسترسیست
- 2 من همان به که ازو نیک نگه دارم دل
- 3 ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
- 4 گفت حافظ من و تو محرم این راز نه‌ایم
- 1 به دهان خاکش اگر نام ز حاتم ببرد
- 2 که بد و نیک ندیده‌ست و ندارد نگهش
- 3 تأثیر اختران شما نیز بگذرد
- 4 از می لعل حکایت کن و شیرین‌دهنان

2 نوع حذف در کدام گزینه متفاوت است؟

- 1 نومیدی را در امید بسته دان و امید را در نومیدی.
- 2 نیکوخو، بهتر هزار بار از نیکورو.
- 3 مردی اهل بود و فضل داشت از شعر و ادب و هم کرمی تمام.
- 4 یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته.

3 در کدام گزینه هر دو نوع حذف فعل دیده می‌شود؟

- 1 آن لعل دلکشش بین وان خنده دل‌آشوب
- 2 یاد روزی که به خلوتگه عشاق روم
- 3 تنت در جامه چون در جام باده
- 4 از تاب آتش می، بر گرد عارضش خوی
- 1 وان رفتن خوشش بین وان گام آرمیده
- 2 طرب‌انگیز و طرب‌خیز و طرب‌زاد شوم
- 3 دلت در سینه چون در سیم آهن
- 4 چون قطره‌های شبنم بر برگ گل چکیده

4 در کدام بیت، حذف فعل به قرینه لفظی صورت گرفته است؟

- 1 کجا دست گیرد دعای ویت
- 2 یکی را که سعی قدم پیش‌تر
- 3 بفرمود گنجینه‌ی گوهرش
- 4 دعای منت کی بود سودمند
- 1 دعای ستم‌دیدگان در پیت؟
- 2 به درگاه حق منزلت پیش‌تر
- 3 فشانند در پای و زر بر سرش
- 4 اسیران محتاج در چاه و بند؟

5 در کدام بیت فعل‌های بیشتری حذف شده است؟

- 1 عاشقی به ز منت کو که به وی پردازی
- 2 چنان که تشنه به آب حیات و مرده به جان
- 3 جنگجویان به زور پنجه و کتف
- 4 او به خونم تشنه و من بر لبش تا چون شود
- 1 دلبری به ز تو ام کو که به وی پردازم
- 2 به جان تو که به دیدارت آرزومندم
- 3 دشمنان را کشند و خوبان دوست
- 4 کام بستانم از او یا داد بستاند ز من

6 در همه بیت‌ها به جز ، دو مورد حذف فعل به قرینه معنایی رخ داده است.

- 1 شکر خدا که مرد به بیداری فراق
- 2 آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق
- 3 مزده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
- 4 به درد مایل از آن سان که دیگران به دوا
- 1 وحشی، کسی که دیده بخت تو خفته خواست
- 2 خرمن مه به جوی خوشه پروین به دو جو
- 3 که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید
- 4 به زهر طالب از آن سان که دیگران به غسل



7 در همه ابیات به جز بیت اجزای جمله به «شیوه ی بلاغی» بیان شده است.

- 1 ای جان آشنا که در آن بحر می روی
- 2 از خرگه تن تو جهانی منور است
- 3 دریای آگهی که خردها همه از اوست
- 4 از شوق عاشقی اگر ت صورتی نهد
- 5 وی آنک همچو تیر از این چرخ می جهی
- 6 تا تو چگونه باشی ای روح خرگهی
- 7 آن است منتهای خرد های منتهی
- 8 آلابشی نیابد بحر مُنَز هی

8 حذف فعل در کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- 1 صحبت عاقبت گرچه خوش افتاد ای دل
- 2 کمند صید بهرامی بیفکن جام جم بردار
- 3 خوشا شیراز و وضع بی مثالش
- 4 به داغ بندگی مردن در این در
- 5 جانب عشق عزیز است فرو مگذارش
- 6 که من پیومدم این صحرا نه بهرام است و نه گورش
- 7 خداوندا نگهار از زوالش
- 8 به جان او که از ملک جهان به

9 کدام گزینه به شیوه بلاغی سروده نشده است؟

- 1 شیرینی لبان تو، فرهادی آورد
- 2 دل را خراب کرد و به گنج هنر رسید
- 3 گر عشق ورز و مست نمی خواهم خدای
- 4 مقبول باد، غدر کمندافکنان عشق
- 5 دل خواهی آنقدر که غمت شادی آورد
- 6 عشق خرابکار تو آبادی آورد
- 7 باری، چرا جمال پرزادی آورد؟
- 8 چشم غزال رغبت صیادی آورد

10 در کدام بیت شیوه بلاغی به کار نرفته است؟

- 1 اگر آن ترک شیرازی به دست آورد دل ما را
- 2 ساقیا برخیز و در ده جام را
- 3 دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد
- 4 حسن تو همیشه در فزون باد
- 5 به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را
- 6 خاک بر سر کن غم ایام را
- 7 من نیز دل به باد دهم هرچه باد باد
- 8 رویت همه ساله لالهگون باد

11 در همه نمونه های زیر شیوه بلاغی است به جز

- 1 گل از شوق تو خندان در بهار است (۲) چو در وقت بهار آبی پدیدار
- 2 در بر من ره چو به پایان برد (۳)
- 3 قطره باران که در افتد به خاک (۴)

12 کدام گزینه به شیوه بلاغی نوشته شده است؟

- 1 مطمئناً غزل شهریار از بهترین انواع شعر غنایی امروز به شمار می رود. (۲) شعر او آمیزه ای از شعر و عشق و لطافت و شیرینی است.
- 2 هنر خوش نویسی را نیز او همچون شعر و موسیقی خوب می دانست. (۴) شهریار در میان شاعران سنت گرا زبانی نرم و بیانی گرم و صمیمی دارد.

13 در همه ابیات به جز بیت اجزای جمله به شیوه بلاغی بیان شده است.

- 1 هنرور چنین زندگانی کند
- 2 دزد مست نادان گریبان مرد
- 3 ز هشیار عاقل نزدیک که دست
- 4 از آن تیره دل، مرد صافی درون
- 5 جفا ببند و مهربانی کند
- 6 که با شیر جنگی سگالد نبرد
- 7 زند در گریبان نادان مست
- 8 قفا خورد و سر بر نکرد از سکون

14 کدام بیت به شیوه بلاغی بیان نشده است؟

- 1 عنان را ببیچید گرد آفرید
- 2 همی رفت و سهراب با او به هم
- 3 در باره بگشاد، گرد آفرید
- 4 در دژ ببستند و غمگین شدند
- 5 سمند سرافراز بر دژ کشید
- 6 بیامد به درگاه دژ، گزدهم
- 7 تن خسته و بسته، بر دژ کشید
- 8 پر از غم دل و دیده خونین شدند



15 در کدام بیت جمله مرکب دیده نمی‌شود؟

- 1 به هوش باش که هر نقطه دام دایره‌ای است
- 2 به هر چه می‌نگرم با دریغ و بدرود است
- 3 باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم
- 4 رتبت دانش حافظ به فلک بر شده بود

- تو در هوای رهایی درین میانه مگرد
شد آن زمان که جهان جمله مژده بود و درود
مشتاق بندگی و دعاگوی دولتم
کرد غمخواری شمشاد بلندت پستم

16

در کدام گزینه جمله مرکب وجود ندارد؟

- 1 عقل می‌خواست کز آن شعله چراغ افروزد
- 2 اگر روم ز پیاش فتنه‌ها برانگیزد
- 3 چون حسن عاقبت نه به رندی و زاهدی است
- 4 هزار نقد به بازار کاینات آرند

- عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد
ور از طلب بنشینم به کینه برخیزد
آن به که کار خود به عنایت رها کنند
یکی به سگه صاحب عیار ما نرسد

17 در کدام گزینه جمله مرکب وجود دارد؟

- 1 دل رمیده ما را که پیش می‌گیرد
- 2 سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند
- 3 طمع در آن لب شیرین نکردنم اولی
- 4 تا عاشقان به بوی نسیمش دهند جان

- خبر دهید به مجنون خسته از زنجیر
همدم گل نمی‌شود باد سمن نمی‌کند
ولی چگونه مگس از پی شکر نرود
بگشود نافه‌ای و در آرزو ببست

18 در کدام گزینه جمله مرکب به کار رفته است؟

- 1 مرا و عشق تو گیتی به یک شکم زاده ست
- 2 ازو بیش بر تخت شاهی که بود
- 3 سپه را ز هامون به دریا کشید
- 4 چو گوی در همه عالم به جان بگردیدم

- دو روح در بدنی چون دو مغز در یک پوست
بران رنج بردن چه آمدش سود
بدان سو کجا دشمن آمد پدید
زدست عشقت و چوگان هنوز در پی گوشت

19 کدام بیت، فاقد «جمله مرکب» است؟

- 1 گله از فراق باران و جفای روزگاران
- 2 باری مگرت بر رخ جانان نظر افتاد
- 3 ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت
- 4 گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم

- نه طریق توست سعدی کم خویش گیر و رستی
سرگشته چو من در همه آفاق بگشتی
دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد
ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد

20 در کدام بیت جمله مرکب دیده نمی‌شود؟

- 1 غیرت همی‌نماید بر گوش دیده من
- 2 نازنینا مکن آن جور که کافر نکند
- 3 محترم دار دلم کاین مگس قندپرست
- 4 گویند سنگ لعل شود در مقام صبر

- کز دور می‌تواند پیغام تو شنیدن
ور جُهودی بکنم بهره در اسلام نیست
تا هواخواه تو شد فرّ همایی دارد
آری شود ولیک به خون جگر شود



پاسخنامه تشریحی

- 1 در این گزینه هر دو نوع حذف آمده است: گفت حافظ حالت خطابی دارد، منادا است و فعل آن به قرینه معنوی حذف شده است. در مصراع دوم از می لعل حکایت کن و از شیرین دهنان [حکایت کن] حذف به قرینه لفظی است.
- 2 در گزینه (۲) حذف فعل اسنادی به قرینه معنوی است و در سایر گزینه‌ها حذف فعل به قرینه لفظی است.
- 3 تنها در بیت گزینه «۲» است که هم حذف به قرینه لفظی داریم و هم حذف به قرینه معنوی:
یاد روزی که به خلوتگه عشاق بروم [شاد باد] [قرینه معنوی] طربانگیز [شوم] و طربخیز [شوم] و طربزاد شوم. (قرینه لفظی)
گزینه «۱»: قرینه لفظی و گزینه‌های «۳» و «۴» قرینه معنوی است.
- 4 فشانند در پای وز بر سرش [فشانند]
گزینه ۱: فعلی حذف نشده است و «کو» خودش به جای فعل عمل می‌کند (شبه‌جمله است): عاشقی بهتر از من برای تو کو؟ که به او بپردازم و دلبری بهتر از تو برای من کو؟ که به او بپردازم
- 2: چهار جمله است و ۳ فعل در آن حذف شده است.
3: دو جمله است.
4: ۵ جمله است و 2 فعل در آن حذف شده است.
- 6 گزینه ۱: ای «وحشی» [به من گوش کن] شکر خدا [می‌کنم] که به بیداری فراق مرد، کسی که دیده بخت تو را خفته می‌خواست.
گزینه ۲: [به] آسمان بگو که این عظمت [بزرگی‌اش] را نفروشد (به رخ نکشد) که در عشق خرمن ماه به جوی [است] و خوشه پروین به دو جو [است].
گزینه ۳: ای دل [با تو هستم]، مژده [یده] که مسیحا نفسی می‌آید که ...
گزینه ۴: به درد مایل [هستم]، از آن‌سان که دیگران به دوا [مایل هستند] و به زهر طالب [هستم]، از آن‌سان که دیگران به عسل [طالب هستند].
- 7 در بیت ۱ همه نقش‌های دستوری و اجزای جمله در جای مناسب خود قرار گرفته‌اند. اما در سایر گزینه‌ها اجزای جمله نامرتب است.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۲: از خرگه تو جهانی منور است ← شیوه بلاغی
متنم نهاد مستند
گزینه ۳: آن است منتهای خردهای منتهی ← شیوه بلاغی
فعل مستند
گزینه ۴: آلایشی نیابد بحر منزه می ← شیوه بلاغی
مفعول فعل نهاد
- 8 حذف فعل در این گزینه برخلاف گزینه‌های دیگر لفظی است: در این صحرا نه بهرام است نه گور بهرام (است).
- 9 گزینه ۱: دلخواهی آن قدر ← آن قدر دلخواهی (حالت عادی) // گزینه ۲: نهاد حذف‌شده اما ترتیب اجزای جمله به شیوه عادی است. // گزینه ۳: اگر خدا عشق ورز و مست نمی‌خواهدم (شیوه عادی) // عذر کمندافکنان عشق مقبول باد (شیوه عادی)
- 10 گزینه «۱»: تقدیم فعل بر مفعول در دو مصراع
گزینه «۲»: تقدیم فعل بر مفعول در دو مصراع
گزینه «۳»: تقدیم بر نهاد دوش باد از یار سفر کرده آگهی داد.
نهاد
- 11 شیوه بلاغی یعنی جابه‌جا شدن اجزای اصلی است، لذا در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ این جابه‌جایی وجود دارد و در گزینه ۱ اجزای اصلی در جایگاه خود هستند: گل (نهاد) + خندان (مستند) + است (فعل اسنادی)
- 12 کُتب، کدام گزینه با نهاد یا قید شروع نشده‌است؟ بله، گزینه سوم. «هنر خوش‌نویسی» مفعول این جمله است و در شیوه عادی جمله‌ها با نهاد یا قید شروع می‌شوند نه مفعول.

با این حال، این موضوع کافی نیست تا جمله‌ای از حالت عادی به حالت بلاغی درآید؛ زیرا اگر در جمله نهاد حذف شده باشد، طبیعی است که جمله با مفعول شروع شود!

اما در جمله گزینه سوم نهاد حذف نشده است؛ حالا می‌توان گفت که این جمله از حالت عادی خارج شده زیرا در حالت عادی ابتدا نهاد می‌آید و سپس مفعول:

حالت عادی: او هنر خوش‌نویسی را نیز همچون شعر و موسیقی خوب می‌دانست.
نهاد مفعول متنم اختیاری قید چگونگی فعل

حالت عادی: هنر خوش‌نویسی را نیز همچون شعر و موسیقی خوب می‌دانست. (فقط نهاد حذف‌شده)

حالت بلاغی: هنر خوش‌نویسی را نیز او همچون شعر و موسیقی خوب می‌دانست.
نهاد مفعول

- 13 شیوه بلاغی جا به جایی ترتیب اجزای جمله است اما در گزینه ۱ اجزای اصلی جمله سر جای خود قرار گرفته‌اند و از «شیوه عادی» بهره جسته است:
هنرور: نهاد/ زندگانی کند: نهاد
جفا: مفعول/ ببند: فعل
مهربانی: مفعول/ فعل: کند



14) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: شیوه بلاغی: تقدم فعل بر نهاد در مصراع اول

گزینه «۲»: شیوه بلاغی: تقدم فعل در هردو مصراع

گزینه «۳»: شیوه بلاغی: تقدم فعل بر نهاد در مصراع اول

15) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت‌های «۱، ۲ و ۳» حرف «که» جمله مرکب ساخته است، اما در بیت «۴» حرف ربط وابسته‌ساز نیامده است.

16) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه (۴) بین دو مصراع «ولی» حذف شده است اما با این حال باز هم با دو جمله ساده رویه‌رو هستیم نه یک جمله مرکب.

۱) : عقل می‌خواست که از آن شعله چراغ افزود
(هسته پایه) (وابسته پیرو)

۲) : اگر ز پیش بروم فتنه‌ها برانگیزد
(هسته پایه) (وابسته پیرو)

۳) : چون حسن عاقبت نه به رندی و زاهدی است آن به که کار خود به عنایت رها کنند
(هسته پایه) (وابسته پیرو)

نکته: چون اگر «دلیل» را برساند پیوند وابسته‌ساز می‌باشد.

17) ۱ ۲ ۳ ۴ بیت گزینه «۴» در اصل به این صورت است.

بگشود نافه‌ای و در آرزو ببست تا عاشقان به بوی نسیمش بدهند جان
پیوند همپایه‌ساز (جمله هسته پایه) پیوند وابسته‌ساز (جمله وابسته پیرو)

نکته: «تا» اگر دلیل را برساند پیوند وابسته‌ساز است.

توجه: «و» در مصراع دوم جمله مرکب نمی‌سازد.

18) ۱ ۲ ۳ ۴ در این بیت واژه «کجا» در معنی حرف وابسته‌ساز «که» به کار رفته است: بدان سو کجا (که) دشمن آید پدید (وابسته) سپه را ز هامون به دریا کشید (هسته).

19) ۱ ۲ ۳ ۴ جملات مرکب سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: مصراع اول (جمله هسته) (که: محذوف) مصراع دوم (جمله وابسته)

گزینه «۳»: مصراع اول (جمله وابسته و پیوند وابسته‌ساز) مصراع دوم (جمله هسته)

گزینه «۴»: جملات هسته: (چون‌خل کریم باش، چو سرو آزاد باش) (پیوند: گر، و) جملات وابسته: (از دستت برآید، ز دستت نیاید).

20) ۱ ۲ ۳ ۴ «ولیک» حرف پیوند همپایه‌ساز است و جمله مرکب نمی‌سازد، اما در ابیات گزینه‌های دیگر پیوندهای وابسته‌ساز «که» جمله‌های مرکب ساخته است.

پاسخنامه کلیدی

1	1	2	3	4
2	1	2	3	4
3	1	2	3	4
4	1	2	3	4
5	1	2	3	4

6	1	2	3	4
7	1	2	3	4
8	1	2	3	4
9	1	2	3	4
10	1	2	3	4

11	1	2	3	4
12	1	2	3	4
13	1	2	3	4
14	1	2	3	4
15	1	2	3	4

16	1	2	3	4
17	1	2	3	4
18	1	2	3	4
19	1	2	3	4
20	1	2	3	4